



حتی اگر ادعاهای نویسنده راجع به موسیقی «بلوز» و نتایجی که از کنار هم گذاشتن برخی شباهت‌های موسیقایی گرفته است غلط باشد، اطلاعاتی که در مورد بردگان مسلمان در آمریکای قرون ۱۸ و ۱۹ می‌دهد، بدیع و شنیدنی است.

صدای پای اسلام در غمگانه‌های سیاهان

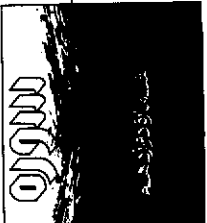
نوشته: جان اتان کوریل

پیش که با پخش این دو موسیقی برای جمعی، ارتباط آنها را ثابت کردم مردم به شدت تشویق‌م کردند و می‌گفتند: "شگفت‌آور، کاملاً می‌شه تشخیص داد." علت اصلی این پدیده شگفت‌انگیز انتقال برده‌های مسلمان از آفریقا است که از سالهای ۱۶۰۰ تا ۱۸۰۰ به آمریکا آورده شدند. نزدیک به ۳۰ درصد از بردگان آفریقایی را مسلمانان تشکیل می‌دادند و به گفته مورخان، شمار نامعلومی از ایشان قادر به گفتن و نوشتن به زبان عربی بودند. بیشتر بردگان مسلمان برخلاف فشار برده‌داران که آنان را به پذیرش مسیحیت و ترک سنن قدیمی خود وادار می‌کردند، به هر شکلی بود دین و آداب و رسوم خود را حفظ کرده و به روشهای مختلف قبل از جنگهای داخلی این کشور، سنتهای آفریقایی را در محیط اجتماعی سرزمینهای جنوبی آمریکا درآمیختند. مثلاً با اینکه در کشتزارها به کارهای پست و کمرشکن وادار می‌شدند، اما ایمان خود به خدای یگانه را که قرآن را بر بشر نازل کرده است، بیان می‌کردند. به اعتقاد مورخان، با گذشت دهه‌ها و به موازات تغییر و تحول سبکها و اسلوبهای آوازخوانی در آفریقا، شیوه‌های بیان ایمان و پای‌بندی سیاهان به سنتهایشان نیز در سیر تحول خود در نهایت به فریادها و هلهله‌هایی که زمینه‌ساز موسیقی بلوز بود، تبدیل شد.

سیلویین دیوف برای اثبات ادعایش مبنی بر ریشه‌ی اسلامی "موسیقی و ترانه‌های بلوز" آمریکا ابتدا اذان مسلمانان و سپس "لیوی کمپ هولر" (یکی از نخستین ترانه‌های بلوز که بیش از یک‌صدسال گذشته در حوزه دلتای می‌سی‌سی‌پی پدید آمد) را برای حضار پخش می‌کند.

"لیوی کمپ هولر" را نباید ترانه‌ای عادی تلقی کرد، زیرا آفریده بردگانی است که پس از جنگهای داخلی آمریکا تا حدودی آزادی خود را به دست آورده بودند. نمونه‌ای که دیوف در برنامه‌اش برای حضار پخش می‌کند دارای اشعاری است که مانند اذان مسلمانان، خداوند را به بزرگی یاد می‌کند. (خدایا، صبح که بیدار می‌شوم، غم روی دلم سنگینی می‌کند... خدایا، به روزهای خوش گذشته فکر می‌کنم). اما علت شباهت زیاد این ترانه با یکی از شناخته‌شده‌ترین ترجیع‌بندهای اسلام در ملودیها و تغییر نتهای ترانه است. "لیوی کمپ هولر" مانند اذان بر کلماتی تکیه می‌کند که گویی در تارهای صوتی خواننده مرتعش شده و به رقص درمی‌آیند. تغییر طبقات موسیقایی در "لیوی کمپ هولر" و در اذان به خوبی قابل حس است و بیان غنای (طنین صدای تودماغی) در هر دو موسیقی درک می‌شود.

دیوف، نویسنده و پژوهشگر مرکز مطالعات فرهنگ سیاه پوستان شومبرگ در نیویورک است. او می‌گوید: "چند سال



دانیلیان، نوازنده ترومپت، عوامل چندی را در شکل‌گیری موسیقی بلوز آمریکا برمی‌شمرد، اما نقش بردگان مسلمان غرب آفریقا را تعیین‌کننده‌ترین عامل می‌داند.

اذان

دانیلیان مسلمان است. او می‌گوید باور کردن ارتباط اسلام و موسیقی بلوز برای غیرمسلمانان بسی دشوار است، زیرا آنان به قدر کافی با موسیقی اسلامی یا عربی آشنا نیستند. اذان و سایر قطعات شعر و آوازی که بردگان سیاه می‌خواندند یا اجرا می‌کردند (خواه غربیان چنین آفریده‌هایی را در ردیف موسیقی قبول داشته باشند یا نداشته باشند) از جوهره موسیقیایی برخوردار بود.

دانیلیان می‌افزاید: «من عضو فرقه صوفی تیجانیه هستم که در غرب و شمال آفریقا پیروان زیادی دارد. ما با حضور شیوخ (مُراد) اجتماعی تشکیل می‌دهیم که گاهی چند صد نفر در آن شرکت می‌کنند و همگی اذکاری می‌گویم که دارای جوهره موسیقیایی هستند. چیزی که شما می‌شنوید در لفظ آمریکاییان به حالت حزن و اندوه یا «بلوز» تعبیر می‌شود.

ترانه‌هایی که امروزه آمریکاییان به نام «بلوز» می‌شناسند از اوایل سال ۱۸۹۰ در ایالت‌های جنوبی مانند لوئیزیانا، می‌سی‌سی‌پی و آلابا پدید آمدند. موسیقی بلوز ثمره و حاصل جمع موسیقیهای گوناگونی بود که آوازخوانان دوره‌گرد و هنرمندان نمایشهای خیابانی در آن سالها در جنوب آمریکا اجرا می‌کردند. شاید نخستین خوانندگان ترانه‌های بلوز از ریشه‌های آفریقایی یا اسلامی موسیقی خود اطلاعی نداشتند، زیرا ترانه‌هایشان تا آن زمان با موسیقی سفیدپوستان اروپایی تلفیق شده و پیوند آشکارشان با قاره‌ای در فاصله چهار هزار مایلی از قاره آمریکا قابل تشخیص نبود. علاوه بر این پیشینیان بردگان مسلمان در طلوعه قرن بیستم بیشتر به زور، یا به خاطر اجبار شرایط آن زمان به دین

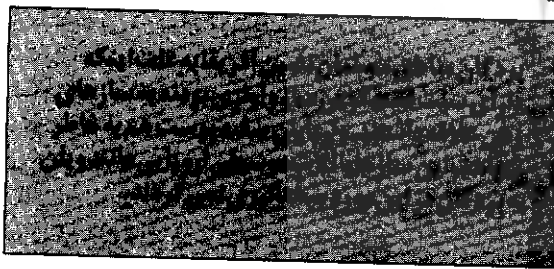
بردگان مسلمان با نواختن آلات موسیقی نیز توانستند تأثیر غیرمستقیمی بر موسیقی غربی و پدید آمدن موسیقی بلوز بگذارند. طبل زدن، که به ویژه در میان بردگان کنگویی و سایر مناطق غیرمسلمان آفریقا رواج داشت، ممنوع شده بود. اربابان سفیدپوست می‌دانستند که سیاهان با طبل زدن به هم پیام رد و بدل می‌کنند و از این طریق می‌توانند گرد هم آیند. به همین دلیل از این بابت احساس خطر می‌کردند. اما نواختن سازهای زهی را ممنوع نکرده بودند. بردگان مناطق مسلمان‌نشین آفریقا به علت اینکه دارای سنت قصه‌گویی ساز و آوازی بودند به سازهای زهی علاقه داشتند. و اربابان سفیدپوست هم به خاطر شباهت این سازها با آلات موسیقی اروپایی مانند ویلن به بردگان در این مورد سختگیری نمی‌کردند. بنابراین هرگاه برده‌ای می‌توانست «بانجو» (ساز) که از آفریقا الهام گرفته شده) یا چیزی شبیه به آن را جمع کند، می‌توانست در میان مردم بنوازد. گرهارد کوبیک - استاد موسیقی‌شناسی قومی دانشگاه ماینز آلمان و نویسنده کتاب «آفریقا و بلوز» - می‌گوید: «تک‌نوازی بردگان، نشانه‌هایی به سبک آوازی عربی - اسلامی داشت که بر اثر چند قرن حضور اسلام در غرب آفریقا در سنت آفریقاییان ریشه دوانده بود.

تأثیر بر «بلوز»

کوبیک معتقد است بسیاری از خوانندگان امروز ترانه‌های بلوز ناخودآگاه از الگوهای اسلامی - عربی در موسیقی خود تقلید می‌کنند. کوبیک در کتابش در توصیف علمی این عادت می‌نویسد: سبک آوازی بیشتر خوانندگان بلوز که از تحریر (غلت دادن صدا و آواز)، بیان متموج و سایر نشانه‌ها استفاده می‌کنند به جای مانده از منطقه وسیع غرب آفریقا است که از قرن هفتم و به واسطه تماس با کشور مغرب از دنیای اسلامی - عربی تأثیر پذیرفته بود. ملیسما (نوعی تحریر) استفاده از چند نت با یک هجاست؛ بنابراین، فرضاً به جای نتی که صدایی مانند «یا» تولید می‌کند نتی دارید که صدایی شبیه یاهاها یاهاهاهاهاها تولید می‌کند. بیان متموج به سلسله نت‌هایی اشاره می‌کند که از گام مینور به گام ماژور و برعکس تغییر می‌کند و این در بلوز و اذان بسیار رایج است.

کوبیک نظر خود را این چنین خلاصه می‌کند: «ویژگیهایی که در گذشته عجیب تلقی شده و محققان ترانه‌های بلوز نمی‌توانستند از آنها سردر بیابند اکنون به خوبی روشن شده که نشانه سبک شناختی اسلامی - عربی است و در طول زمان پردازش و تحول یافته است».

البته گستره ارتباط اسلام و موسیقی بلوز آمریکا هنوز مورد بحث است. برخی از محققان همچنان بر عدم ارتباط این دو پافشاری می‌کنند. امروزه سرشناس‌ترین موسیقیدانان بلوز در مورد ارتباط این موسیقی با دینی که روحانیانش به موسیقی پاپ غربی روی خوش نشان نمی‌دهند به دیده تردید نگاه می‌کنند، اما اسناد و مدارک زیادی که دانشگاهیانی مانند کوبیک و کورنلیا واکر بیلی گرد آورده‌اند تأثیرپذیری فرهنگ آمریکا از بردگان مسلمان را تأیید می‌کند. خانم کورنلیا واکر بیلی از نویسندگان جورجیایی است که نیای پنجمش یکی از بردگان همین ناحیه بود و رو به مکه نماز می‌خواند. بری



مسیحیت گرویده بودند. البته در میان سیاهان جنوب آمریکا تعداد اندکی هم اسلام را ترویج می‌کردند. پژوهشگرانی مانند دیوفا و کوبیک با جست‌وجو در تاریخ و اسناد آن روزگار سر نخهای جدیدی را کشف می‌کنند که صد سال پیش بر کسی معلوم نبود.

ذکر نام دلبلیو. سی. هندی خالی از لطف نیست. او چهل سال به شکل حرفه‌ای به ترانه‌سرایی و نواختن ساز کورنت پیستون‌دار پرداخت و توانست موسیقی بلوز را رسمیت ببخشد و از این رو به «پدر بلوز» ملقب شده است. او (که خود برده‌زاده است به لحظه سرنوشت ساز و تحول آفرینی که در

حدود سال ۱۹۰۲ در زندگی اش به وقوع پیوست اشاره می‌کند:

- در ایستگاه قطار توئایلر در ایالت می‌سی‌سی‌پی چرت می‌زدم که با صدای ساز سیاه‌پوست لاغر و وارفته‌ای که بر گیتارش زخمه می‌کشید چرتم پاره شد. لباسهای زنده‌ای بر تن داشت و انگشتان پایش از سوراخ کفشها سرگ می‌کشیدند. حزن و اندوه چند قرن بر چهره‌اش نقش بسته بود. دیدم که صدای سازش از چاقویی است که به سیمهای گیتار می‌کشد... صدای گیتار تا عمق دل و جان رسوخ می‌کرد و ترانه آن سیاه مردنی بی‌درنگ تکام داد.

مصراعی را که با عجیب‌ترین موسیقی‌ای که از گیتارش بلند می‌شد سه مرتبه تکرار می‌کرد (می‌ریم اون‌جا که قطار جنوب از ایستگاه داگ می‌گذره)

خواندن از همه چیز

این ترانه به ایستگاهی در آن نزدیکی که محل تقاطع قطارهای مختلف بود اشاره می‌کرد. سیاه‌پوستان جنوبی همان‌طور که هندی در زندگی‌نامه خود نوشته (و در سال ۱۹۴۱ منتشر شده) از هر چیزی سوژه‌ای برای خواندن می‌ساختند: قطارها، کشتیهای بخار، سوت کشتیها، پتکها، زنان هرزه، اربابان پست، الاغهای چموش، اینها همه موضوع آوازهای سیاه‌پوستان بودند. ترانه‌های خود را با هر چیزی که صدایی آهنگین از آن درمی‌آمد همراه می‌کردند، از ساز دهنی گرفته تا تخته رخت‌شویی. و بدین ترتیب آنها با این مصالح محیط را برای شکل‌گیری موسیقی‌ای آماده ساختند که ما امروزه آن را با عنوان "بلوز" می‌شناسیم.

برخلاف متداول شدن تخته‌های رخت‌شویی در میان موسیقیدانان بلوز مانند رابرت براون (مشهور به "سام تخته‌رختی")، تکنیکی که هندی شاهدش بود - کشیدن چاقو به سیمهای گیتار - را می‌توان متعلق به غرب و مرکز آفریقا دانست، منطقه‌ای که به قول کوبیک، مردمش زیت‌های تکسیم را با این شیوه می‌نوازند. هندی به یک روایت می‌پندارد که تکنیک آن سیاه‌پوست وارفته (که اکنون به گیتارنوازی لغزشی موسوم شده) از گیتارنوازی هاوایی وام گرفته شده باشد، اما گمان قوی‌ترین است که آن گیتارزن دوره‌گرد توئایلر، ریشه‌های آفریقایی خود را نمایش می‌داد. کوبیک برای تکمیل تحقیقاتش چند بار به آفریقا رفته و مدتی را در آنجا سپری کرده است.

بیلی که در سال ۱۹۸۹ به غرب آفریقا سفر کرده می‌گوید: اصالت آفریقایی و اسلامی

پاره‌ای از آداب و رسوم مناطق جنوبی ایالات متحده بیشتر با چیزهای دیگری اشتباه گرفته می‌شود.

کلیساهایی رو به شرق

بیلی در ساپلو آیلند جورجیا زندگی می‌کند. جمعیت اندکی از سیاهان این منطقه نسب خود را به بیلالی محمد منتسب می‌کنند. او برده‌ای مسلمان از منطقه‌ای بود که امروزه کشور گینه است.

کسانی که از ساپلو آیلند دیدن می‌کنند همواره از کلیساهایی که رو به شرق ساخته شده حیرت می‌کنند. خود بیلی نیز در سنن کودکی یاد گرفته بود به سمت مشرق دعا کند، یعنی همان جهتی که نیای پنجمش هنگام نماز خواندن به طرف مکه بدان سورو می‌کرد.

بیلالی مرد باسوادی بود که به زبان عربی می‌نوشت و سخن می‌گفت؛ قرآن و جانمازی همراه داشت و کلاه فینه که به احتمال زیاد از علائم تدین او بود بر سر می‌گذاشت. بیلالی در زمانی که هنوز در آفریقا زندگی می‌کرد برای هدایت و ارشاد مسلمانان تعلیم دیده بود؛ اربابش در ساپلو آیلند او را به سمت مباشرت امور بردگان تعیین کرده بود. هرچند نوادگان بیلالی به دین مسیحیت درآمدند اما سنتهای اسلامی خویش را که هنوز هم جاری است حفظ کردند.

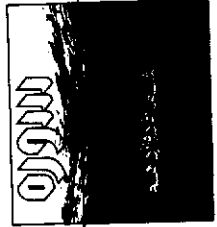
بیلی در واقع صورت تغییر یافته نام "بیلالی" است که از نامهای مشهور و پرتعداد مسلمانان آفریقا است، زیرا از نام یکی از نخستین گروندگان به دین اسلام که اولین مؤذن این دین هم به حساب می‌آید و برده‌ای حبشی به نام بلال بود اقتباس شده است.

بیلی ۵۹ ساله، که سرگذشت خود را با دیدگاهی تاریخی به ساپلو آیلند نوشته است می‌گوید: "تاریخ در تغییر و تحول همه چیز نقش دارد؛ پدیده‌هایی که امروز شاهد هستیم تفاوت زیادی با صورت آغازین خود دارند."

مثلاً ترانه "سالی واکر کوچولو" را می‌توان نام برد. هنرمندان موسیقی بلوز این ترانه را بارها خوانده‌اند. نام دیگر این ترانه "سالی ساسر کوچولو" است. ساسر (Saucer) در زبان انگلیسی به معنای نعلبکی است. شعر این ترانه دختری را که درون یک نعلبکی نشسته توصیف می‌کند. فرانک کوئیمبی، از خویشان بیلی (که او نیز نسب خود را به بیلالی محمد منتسب می‌کند) می‌گوید ترانه مذکور در دوران برده‌داری در سواحل جورجیا و توسط بردگانی تصنیف شده که نام خانوادگی اربابشان (Walker) را روی خود گذاشته بودند.



کسانی که از ساپلو آیلند دیدن می‌کنند همواره از کلیساهایی که رو به شرق ساخته شده حیرت می‌کنند. خود بیلی نیز در سنن کودکی یاد گرفته بود به سمت مشرق دعا کند، یعنی همان جهتی که نیای پنجمش هنگام نماز خواندن به طرف مکه بدان سورو می‌کرد.



گیتار از روی 'عود' عربی ساخته شده است

چون مستندات مربوط به آفریده‌های دوران بردگی اندک است تردید آفرینی در مورد پدیده‌هایی که به وضوح با آفریقا و اسلام تداومی می‌شوند کار ساده‌ای است. شکی نیست که فرهنگ اسلامی و عربی بر موسیقی سایر کشورها تأثیر گذاشته است. از جمله فلانکو که در نتیجه هفت قرن تسلط اسلام بر اسپانیا پدید آمد.

گیتار بی‌واسطه از روی 'عود' ساخته شده است. این ساز عربی توسط مسلمانان و در دوران حکمرانی اسلام بر اسپانیا به اروپا معرفی شد. در واقع موسیقی دوران رنسانس و فرهنگ اسلامی - عربی با هم ارتباطی دارند که اهل علم با دقت بیشتری به مطالعه آن همت گماشته‌اند. دقتی که حتی در مطالعه ارتباط موسیقی بلوز آمریکا با بردگان سیاه‌پوست مسلمان در این کشور دیده نمی‌شود.

تاکنون فقط گروه اندکی از دانشگاهیان و موسیقیدانان از پیوند موسیقی بلوز آمریکا با اسلام آگاه‌اند. کتابهایی مانند 'آفریقا و بلوز' به قلم کوبیک و 'عباداله: مسلمانان آفریقایی که در آمریکا به بردگی کشیده شدند' نوشته دیوف برای مخاطبان دانشگاهی نوشته شده است.

در قالب فرهنگ عامه‌پسند، پیدا کردن یک اثر منفرد مانند رمان، فیلم، ترانه یا دیگر فرمهای هنری که به موضوع اسلام، موسیقی و بردگان آفریقایی پرداخته باشد دشوار است.

فیلم 'دختران خاک' ساخته جولی دش (۱۹۹۱) زندگی در سی آیلند جورجیا را دستمایه خود قرار داده و به زندگی بیلالی محمد می‌پردازد، اما فقط در یک صحنه کوتاه به نماز خواندن او اشاره می‌کند.

'ریشه‌ها'، رمانی به قلم آلکسی هیل است که در دهه ۱۹۷۰ یک مجموعه تاریخی تلویزیونی بر پایه آن تهیه شد. شخصیت اول رمان 'ریشه‌ها' مسلمانی به نام کنته‌کینته است؛ بگذریم که میچنز و چند رمان‌نویس دیگر صحت و اصالت اثر هیل را مورد تردید قرار داده‌اند.

اگر آگاهی مردم را درباره منشأ اسلامی ترانه‌های بلوز بیفزاییم به یقین برداشت و درک آنان از نحوه گسترش دین اسلام در قاره‌ها و تأثیرگذاری بر سایر فرهنگها نیز اصلاح می‌شود. فرق اسپانیا (که به دست مسلمانان فتح شد) با ایالات متحده در این است که بردگان آفریقایی را در غل و زنجیر و برخلاف میلشان برای انجام کارهای سخت و توان‌فرسا به آمریکا آوردند. تجارت برده منجر به جابه‌جایی و آوارگی دست کم ده میلیون سیاه‌پوست از آفریقا و خرید و فروش آنها در قاره آمریکا شد. تاریخ نظیر این آوارگی را کمتر به خود دیده است.

رنج بردگان در موسیقی بلوز آمریکا متبلور شده است. درونمایه ترانه‌های بلوز اغلب ظلم و ستم، اندوه، غربت و آرزوی رهایی است.

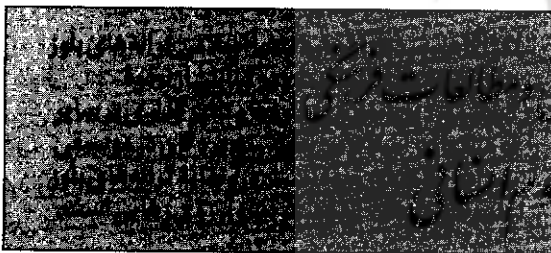
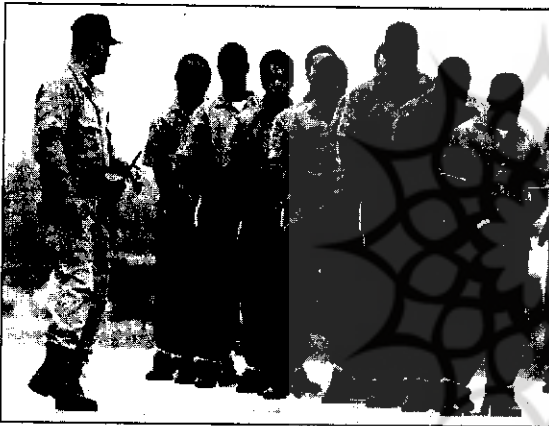
موسیقی بلوزیک قالب هنری منحصر به فرد آمریکایی است که به سراسر دنیا صادر شده و به صورت متقابل تاریخ را نیز دستخوش تغییر کرده است. شایان ذکر است که 'جاز' بدون

موسیقی بلوز هرگز پا به عرصه گیتی نمی‌گذاشت.

سیلان نتها

جان استورم رابرتز در کتاب خود 'موسیقی سیاه دو قاره' می‌نویسد که قادر است الگوی موسیقی اسلامی آفریقایی را از ترانه‌های بیلی هالییدی بیرون کشیده و اثبات کند. او به سیلان نتها در بالادهای حزن‌انگیز هالییدی و آذان اشاره می‌کند. همین نشانه را در موسیقی بی‌بی کینگ و جان لی هوکر نیز می‌توان تشخیص داد. موسیقی بلوز با تمپوی خاص خود و اشاره‌های شعری بسیار به روابط میان انسانها اغلب در بیان کسانی که از بیرون بدان می‌نگرند به 'موسیقی شیطان' توصیف شده. حتی بسیاری از مسلمانان نیز 'بلوز' را از نشانه‌های انحطاط اخلاقی غرب تصور می‌کنند.

مصطفی بیومی، استادیار زبان انگلیسی کالج بروکلین، ارتباط موسیقی آمریکایی با اسلام را مورد تحقیق قرار داده و افرادی مانند دیوف و کوبیک نیز می‌کوشند ذهنیت عموم را در این باره اصلاح کنند. بیومی دو سال پیش با تحریر رساله‌ای به بررسی



تاریخ مسلمانان آفریقایی در آمریکا پرداخت و صحبتی از بهترین آلبوم جان کولترین به نام 'A love supreme' کرد. او می‌گوید اصل این ترجیع‌بند در واقع واگشته تلفظ Allah Supreme بوده است.

وقتی که از بیومی راجع به تحقیقات جدید در موضوع اسلام و آمریکاییهای آفریقایی تبار پرسیدند جواب داد: 'هدف این است که راز این گذشته سر به مهر بر ملا شود. می‌توانید صدای پای اسلام را در آغازین روزهای تولد موسیقی بلوز آمریکا بشنوید. موسیقی‌شناسی قومی، در صدد بازسازی این تلاش است، تا پلی که فرو ریخته دوباره بنا شود.'